

شرکتهای سهامی زراعی زیر نظر نظام مهندسی کشاورزی تشکیل گردد

بتول علی پناهی

کارشناس آموزش و ترویج منابع طبیعی زنجان

تجربه و مهارت آموزی نمایند.

در سالهای اخیر تحولات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مهمی در لایه‌های طبقاتی بخصوص شهری و روستایی ایجاد شده است. روستایان چش‌های خوبی در زمینه‌های مختلف داشته‌اند و علی‌رغم امکانات بیشتر شهری‌ها، روستایان موفق‌تر بوده‌اند. جوانان شهری بر تحصیل، مدرک‌گرایی و سرمایه‌گذاری و جوانان روستایی تحصیل و کار را برگزیدند. بیشترین مشاغل خدماتی و حتی کاذب را پیشه کردند و در طول چند دهه با استفاده از رونق مشاغل خدماتی، این مشاغل را در شهرها به عهده گرفتند. به کوچه، محله و شهر خود نظر بیندازید و قضاوت نمایید.

اگر نسخه توسعه روستاها و رونق کسب و کار کشاورزی را می‌پسجید، توجه فرمایید همان‌طور که تهرانی‌ها حاضر به بازگشت به شهر و روستای خود نیستند، روستایان هم حاضر به رها کردن کسب و کار و موفقیت‌های خود در شهرها نیستند؛ حتی اگر مشوق‌های پیشنهادی را چند برابر و مضاعف نمایید.

برای توسعه روستایی و رونق کسب و کار کشاورزی و استفاده بهینه از منابع و توسعه پایدار اراضی و تولید محصول کمی و کیفی با کمترین هزینه، دو پیشنهاد به حضورتان تقدیم می‌گردد.

۱- در روستاها شرکت‌های سهامی زراعی به منظور یکپارچه نمودن اراضی و استفاده از روش‌های نوین کشاورزی و مکانیزاسیون و ... تشکیل گردد و روستایان اعم از شهرنشین، روستائین نسق‌های زراعی خود را یکپارچه نمایند و به وسیله شرکت سهامی زراعی عملیات استعدادسنجی، برنامه‌ریزی و طراحی اجرا، انجام و بر اساس نسق خود پس از برداشت محصول و فروش آن سهم دریافت نمایند.

۲- کلیه امور این شرکتها را به اعضای سازمان نظام مهندسی و منابع طبیعی محول تا با استفاده از تخصص خود از این اراضی یکپارچه و حق‌آبه‌های آن استفاده بهینه به عمل آورند و گذار از کشاورزی کهنه، سنتی، پرضایعه، کم بازده و دهقانی معیشتی را به کشاورزی مدرن و اقتصادی محقق سازند و هر مشوق و تسهیلاتی که می‌توانند در اختیار شرکت‌های سهامی زراعی و مهندسیین آن قرار دهند.

لطفا در ادامه بازتاب مطالب «مهاجرت معکوس روستایان» نامه درج شده در صفحه ۱۹ این شماره را مطالعه فرمایید.

ملاحظه می‌شود که محیط روستا شرایط مهاجرت را برای جوانان روستایی فراهم می‌نماید.

میل به ترقی و پیشرفت در جوانان روستایی بدون محافظه کاری وجود دارد. جوان محیط و فضای روستا را برای خود کوچک احساس می‌نماید. به علت همه کاره بودن و آشنایی با سختی و صعوبت کاری و زندگی در لطف و صفا و خشم و خروش طبیعت، از کودکی با سختی کار خو گرفته و از سخت‌کوشی و خوداتکایی خاصی برخوردار هستند. آنها تولیدکننده‌اند و به کشت و کار و دامپروری و قالیبافی و غیره می‌پردازند و سازندگی در وجود آنهاست.

در مقایسه با شهرنشینان، جوانان روستایی سرگرمی‌های کمتر و وقت بیشتری دارند، سطح خواسته‌ها و آمال و آرزوهایشان پایین‌تر است، از نظر خانوادگی وابسته‌تر و مهربان‌تر و صمیمی‌تر هستند، به علت هم روستا بودن در انجام امور با یکدیگر تعامل و تعاون بیشتری دارند.

آنها تجارت و راهکارهای اشتغال در شهرها را قبلا از همدیگر می‌آموزند. وجود فامیل و هم روستایان در شهر خود عامل مهم دیگر در مهاجرت آنان می‌باشد. در روستاها همیشه افراد شاخص مورد توجه هستند که جوانان روستایی را برای کار با خود به شهرها می‌برند و در مشاغل مانند گچ‌بری، کاشی‌کاری، سنگ کاری و ... به کار می‌گیرند و به عنوان شاگرد و کمکی وارد چرخه کار نموده و اینان پس از آنکه تجربه اندوزی و مهارت‌آموزی نمودند، به عنوان استاد کار معمولا بعد از خدمت سربازی، راسا مسوولیت کاری را به عهده می‌گیرند و با استفاده از رونق بازار کار خدماتی، موفق هم هستند و بعدا به این شغل و کار به تنهایی اکتفا نموده و در کنار آن فعالیت‌های اقتصادی دیگری انجام می‌دهند و ضمن کار اصلی خود (کشاورزی و قالیبافی)، خرید و فروش، مسافرت‌کشی و غیره را انجام می‌دهند. ولی فرزندان این مهاجران که تبار روستایی و بزرگ شده شهری هستند، در اثر رفاه شهری و اثرات مادر سالاری و فرزندسالاری، خلق و خو و تلاش و کوشش پدران خود را نداشته و به دنبال کار بی‌زحمت و بدون مسوولیت خواهند بود. به عهده پدران و مادران توانا است که به فرزندان خود بینش و کوشش و آموزش را تعلیم دهند تا در آینده افرادی متعهد، پرتلاش و بهره‌ور و مسوولیت‌پذیر و کاری تحویل اجتماع دهند. فقط به تحصیل فرزندان قناعت نموده بلکه حرفه‌ای به آنان بیاموزند و در اوقات فراغت در آن حرفه

در سرمقاله «شهرزگی» روستایان مهاجر، مطالب جالب و ارزنده‌ای همراه با رهنمودهای لازم به منظور توسعه روستایی در آن ماهنامه وزین درج گردیده که سخن دلسوزان و علاقه‌مندان به بخش کشاورزی است. مشکلات نظام کهنه کشاورزی دهقانی، معیشتی، سنتی، کم‌بازده و پرضایعه کشورمان چنان در هم تنیده شده که نه تنها مشکل دیروز و امروز، بلکه در صورت عدم برنامه‌ریزی همه‌جانبه مشکل‌ساز فردا و فرداهای بخش خواهد بود.

در بخش کشاورزی با مشکلات فراوان مواجه هستیم که جدا از مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی نیست. کشاورزی، تولیدکننده مواد خام صنعت است و همچنین غذای ما، حیات ما و آینده‌مان به کشاورزی وابسته است. در ارتباط با اهمیت و مقام و منزلت کشاورزی نیازی به تهیه آمار از نظر تولید، اشتغال، سرمایه‌گذاری، درآمد سرانه و صادرات غیرنفتی نیست؛ آنچه مسلم است اینکه بخش عظیمی از استان‌های کشورمان، کشاورزی مدار و کشاورزی محور هستند و مشکلات بخش کشاورزی زنجیروار به هم وابسته هستند. از عدم استفاده بهینه از منابع تجدید شونده تا توسعه پایدار منابع، از کم سوادی و بی‌سوادی و مسن بودن بهره‌برداران، تا خارج شدن نیروهای جوان روستایی از چرخه تولید، خشکی و خشکسالی، نهاده‌ها، مهاجرت و شهرنشینی، دافعه‌های روستایی و جاذبه‌های شهری و ... همه و همه باعث گردیده کسب و کار کشاورزی غیراقتصادی و انگیزه‌های تولید و سرمایه‌گذاری کاهش یابد و درآمد کشاورزان با کار طاقت‌فرسا و اگرها و مگرهای تولید با درآمدهای مشاغل خدماتی و کاذب قابل مقایسه نباشد.

بدیهی است مشکلات بخش کشاورزی را باید آسیب‌شناسی و با استفاده از اصول جامعه‌شناسی روستایی آن را تجزیه و تحلیل نمود که آیا مهاجرت کشاورزان فقط در دافعه‌های روستایی و جاذبه‌های شهری بدون در نظر گرفتن مسایل اقتصادی خلاصه می‌شود؟

خوشبختانه، اکثر روستاها از نعمت جاده آسفالت، آب و برق، تلفن، تلویزیون و حتی گاز و سرویس‌های حمل و نقل برخوردار هستند و مشکلات زیست‌محیطی، ترافیک، زندگی ماشینی، آپارتمان‌نشینی و سرگردانی‌های شهری را ندارند. از طبیعت زیبا و هوای سالم، متعلقات خانوادگی، خودکفایی بعضی محصولات، نداشتن بعضی هزینه‌ها برخوردارند؛ ولی روستا را ترک می‌نمایند. اگر ویژگی‌های فرهنگی و خرده فرهنگ روستا را مورد توجه قرار دهیم،